

«مانیتیسیم»

تألیف آفلیاژ

— ۹ —

ترجمه شاهزاده محسن میرزای ظلی

(مجبور کردن معمول بسنگین شمردن چیز سبکی را)

معمول را بنشانید چیزی را که مثل از یک چارک وزن ندارد در مقابلش گذاشته بگوئید بلند کن وقتی بلند کرد پرسید چقدر وزن دارد البته خواهد گفت سبک است آن وقت با اراده قوی در وسط دو چشمش نگاه کرده بگوئید چشم از شما برندارد پس از یکی دو دقیقه با کمال تأنی و متانت و از روی تعیین القاء کنید این شیئی که بنظر شما سبک آمد بتدریج سنگین شده الان بیست من سی من ۱۰۰ من است و ابداً قادر بحرکت دادن آن نیستند ، اگر می توانید بلند کنید ، قطعاً معمولینی که حرکات سابق را اجرا کرده اند قادر بحرکت دادن نیستند

مجبور کردن معمول بگردیدن دورمیز

در چشم معمول نگاه کرده بگوئید شما الان دور این میز خواهید گردید و تکرار کنید تا شروع کنند و تا فوت نکنید دست از گردیدن برندارید یا یک پای او را روی صندلی بگذارید و بگوئید قادر بگردشتن نیستی

مجبور کردن معمول بدادن شیئی که دوست میدارد

هر شیئی قیسی که معمول دوست میدارد مثل دستمال قوطی سیگار دستمال گردن تسبیح و غیره که از خود دور نمی کند ممکن است او را بطرق گذشته مجبور بدادن بخو کنید زیرا که در واقع معمول از خود اختیاری ندارد خاصه اگر خیلی حساس هم باشد که محتاج بنگاه هم نیست و بمحض القاء با اراده تسلیم میشود و اگر حساس نیست بطریق دستور گذشته قدری دودست را روی سرش نگاه داشته و یا چند پاس از سر تا روی زانویش طرف باین بدهید و ممکن است او را روی صندلی یا زمین بنشانید و بگوئید شما دوخته شده اید

و نمی‌توانید برخیزید البته قادر بر خاستن نیست و بایک یا چند معمول که هم‌روزه مشقهای گذشته را تکرار کنید متدرجاً حساس تر شده قادر بمخالفت شما نیستند و روز بروزم بر قدرت شما افزوده خواهد شد و هم‌روزه از خود اختراعات جدید کرده اورا مجبور باجرای آنها خواهید نمود مثل خندیدن گریه کردن آواز خواندن لرزیدن عرق کردن بی حرکت ماندن مجبور کردن بنشستن شمردن اعداد خواندن کتاب گفتن الف با یا و هزار چیز دیگر :

تغییر دادن احساسات معمول : شامه

معمولی که تمام مشقهای گذشته را اجرا کرده میتوانید در شامه او تصرف کنید و البته از روی یقین باور خواهد کرد زیرا که همچو معمولی در دست شما آلتی بیش نیست پس در مقابل او ایستاده بگوئید در چشم شما نگاه کند و شما با کمال اراده قوی در مقابل او ایستاده در ریشه چشمش خیره شده شیشه آبی که در دست قبلاً گرفته‌اید باو بدهید و بگوئید عجب گلایی است بو کنید البته پس از اندکی معمول احساس گلاب خواهد کرد و اگر بنزین را بجای عطریاس و نقطرا بجای عطر مریم و آمینا کرا بجای آب بخواید باو بقبولانید البته قبول خواهد کرد

تغییر ذائقه

یک تکه نمک را در دست گرفته در مقابل معمول بایستید و در ریشه چشمش نگاه کرده از روی یقین و کمال متانت بریده بریده بگوئید این قند را بخورید البته احساس شیرینی خواهد کرد و اگر سیب زمینی خام را بجای گلایی و چغندر را بجای سیب و یا کدورا بجای پرتقال و شلغم را بجای زردآلو باو بدهید همان مزه اراده شمارا احساس خواهد کرد بشرط آنکه طرز القاء شما خیلی متین و از روی کمال متانت صورت گیرد پس از هر عملی البته باید از فوت و دست زدن و گفتن تمام شد مضایقه نکنید والا همانطور در تحت تأثیر خواهد ماند :

تغییر ینش

اگرچه این مسئله خیلی مشکلتر از مطالب گذشته است مع هذا اگر شما قوی شده باشید در آن واحد ینش چندین تقریر می توانید تغییر دهید بطوریکه اگر تمام اهل مجلس کسیرا که تازه وارد میشود بشناسند و بداند که مثلا حسن است با القاء متین و صادقانه و لحن خوش اطمینان بخش شما میتوانید بجای شخص دیگری که القاء میکنید او را گرفته و حتم کنید که این همان شخص تصوری شماست مع هذا برای اول کار بایک نفر معمول حساس شروع کنید

در چشم معمول با اراده قوی نگاه کرده هر يك از حضار را عوض دیگری بمعمول القاء کنید قطعا قبول خواهد کرد حتی کسی هم که در آن مجلس حضور ندارد بگوئید متوجه در اطاق شوید ملاحظه کنید فلان آدم از در وارد میشود بشما سلام میکند احوال بررسی میکند و در مقابل شما می ایستد و در خصوص فلان عمارت باشما صحبت میکند تمام را معمول قبول خواهد کرد و اطاق کوچکی که در آن هستید بجای قصر ایض معرفی کنید قبول میکند بهتر از همه رنگ سیاه را بجای قرمز و سبز را بجای زرد و سیاه را بجای سفید و هلورا بجای گلاس و الا در بجای کفش و درخت صنوبر را بجای درخت نارنگی معرفی کنید البته قبول خواهد کرد و شک نیست که هر قسم چیزی را که در آن محوطه وجود ندارد با القاء شما خواهد دید

ولی اگر القاء چیزهاییکه وجود ندارند خواهید کرد بگوئید معمول چشمش را ببندد و آنچه را القاء میکنید در مغز خود بگذرانید که اول خودتان باور کنید در اینصورت تاکید میکنم که هرگز چیزهای بد و ترسناک القاء نکنید و همیشه چیزهای قشنگ و خوب در نظر بیاورید که تولید وحشت برای معمول نگرده باشید و برای اینگونه اعمال باید خیلی مشق کنید و بتدریج بالا روید و البته بکمتره در فاصله چند روز دارای این مرتبه نخواهید شد

تصرف در سامعه

معمول حساس را در مقابل وا داشته با کمال اراده و قوت قلب و اطمینان بگوئید درست گوش کنید صدای موزیک را آیا ... میشنوید ... یا صدای .. تسبیح ملائکه را میشنوید شك نیست که صوت خیالی و هر صدای خیالی مثل غرش رعد و صدای توپ و تفنگ یا آواز مرغان یا هر صوت دیگری را القاء کنید معمول همیشه جواب خواهد داد بلی میشوند و البته خواهد شنید و بر عکس اگر در کنار آسیای پر صدا یا نزدیک غرش رعد و صدای توپ یا پهلوی موزیک باشید و القاء کنید که هیچ صدائی نیست و آسیا کار نمیکند و موزیک نمیزند یا صدای رعد تمام شد قطعاً معمول هیچ صدائی را نخواهد شنید و اگر صدای رعد را صدای ساز و آواز و صدای آسیا را بجای صدای پیانو و صدای مرد را صدای زن و فریاد دریا را آواز بلبل معرفی کنید قطعاً معمول باور خواهد کرد

تغییر حس بدن

اگر در چشم معمول با اراده قوی نگاه کرده از روی اطمینان بگوئید فلان دندان شما یا دست چپ شما یا پای راست شما یا هر نقطه دیگر بدن شما درد میکند البته معمول فوراً احساس درد خواهد کرد خاصه اگر دست روی سرش بگذارید و چند دقیقه مکث کنید یا چندین پاس ملایم از سر تا پایش بدهید

بهر نقطه معمول دست بگذارید و بگوئید بی حس شد البته اگر سوزن فرو کنید احساس نمیکند و اگر خون بیاید با اراده شما است و ممکن است روی زخم آن دست مالیده بگوئید خون بایستد و اگر انگشتی را بی حس کنید و قطع شود معمول احساس درد نمی کنند. اعمال فوق بنظر شما مشکل نیابند

البته پس از چند ماه مشق و زحمت با کمال سهولت صورت خواهند گرفت و درد معمولین حساس را باین طریقہ میتوانی بدون دوا معالجه کنید

«خلاصه»

در تمام قوای معمول با کمال سهولت می توانی تصرفات بزرگ نمود در حال بیداری آنچه را که تصور می کنی می توانی با و بقبولانی. چون صفحات ما گنجایش شرح بیش از آنچه ذکر شد ندارند ممکن است از خود اختراعات جدید کرده و همه روزه خود را قوی تر کرده و در میان چندین نفر یک دو نفر معمول حساس بدست آورده و وحشت اسم مانیتسم را از آنها دور کنید و هر دورا کاملاً بحركات گذشته مجبور کنید این مسئله را نیز بدانید که معمولین هم که خیلی حساس نیستند بتدریج میتوان آنها را حساس نمود و اگر روزی یک دو مرتبه دست روی سر آنها گذاشته مالش از سر تا روی زانو بدهید پس از چند روز حساس شده تمام حرکات گذشته را بلا اراده شما اجراء خواهند نمود و چون در آتیه مینوتیسم کلی و خواب معمول را شرح خواهیم داد البته شما هم تا آنوقت قوی شده می توانی بر حسب دستورات ما اشخاص را بخوابانید زیرا که اجرای تعلیمات فوق در واقع سهو حرکات مانیتسمی هستند و معمولی که در بیداری آن حرکات را انجام دهد با کمال سهولت ممکن است بخواب مینوتیکی رود و بمرور شما قادر خواهید شد که در میان جمعیت هم در ضد تمام اشخاص را بخوابانید پس جدیت در مشق کنید

(پرنده گان خوشبخت)

سر بر کشید خورشید از خاور	گسترده فرس نور بکیتی بر
پر زد به بر خروس و برقص آمد	خواند آن سرود صبح چو خنیاگر
زنک شتر ز دور همی گوید :	« با ما بیا بکوه و صحرا در
با ما بیا و بر کن از اینجا دل	دل زنک زد ز شهر بصراب